

اهمیت آیینی یسنای هپتنگه‌آیتی^۱

الموت هیئتسه

ترجمه: سید سعیدرضا منتظری*

چکیده

یسنای هفت‌ها یا هپتنگه‌آیتی از بخش‌های مهم اوستای متقدم است که منسوب به شاگردان زرتشت است و در مجموعه کتاب یسنا، فصول ۳۵ تا ۴۱، قرار می‌گیرد. کتاب یسنا در واقع بیانگر مراسم بسیار مهم دین زرتشتی، یسنا، است و دعا‌هایی که در این مراسم خوانده می‌شود در این کتاب بیان شده است. این مقاله به بررسی نقش هفت‌ها در دین زرتشتی می‌پردازد و اینکه بخش‌های متأخر یسنا به نوعی تحت تأثیر این بخش مرکزی از یسنا قرار دارند. در پایان نیز، بیان می‌کند که هفت‌ها در مرکز هر یک از سه آیین مهم زرتشتی، یعنی یسنا، ویسپرد، و وندیداد، قرار دارد و نقش محوری را در این مراسم ایفا می‌کند. در نهایت نیز این نتیجه را می‌گیرد که یسنای هفت‌ها متن محوری و اصلی دین زرتشتی است.

کلیدواژه‌ها: هفت‌ها، یسنا، ویسپرد، وندیداد، دین زرتشتی.

۱. مشخصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

Almut Hintze, "On the Ritual Significance of the *Yasna Haptañhāiti*," in: *Zoroastrian Rituals in Context*, Numen Book Series vol. 102, ed. M. Stausberg, Leiden and Boston: Brill, 2004, p. 294f.

* استادیار گروه ادیان غیرابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

مقدمه

مناسک همیشه نقش اساسی را در حوزه عمل دینی ایفا کرده‌اند. این مسئله مخصوصاً درباره سنت زرتشتی صدق می‌کند که ظاهراً در بقای این دین نیز نقش مهمی داشته است. وجود همین آیین‌ها عاملی شد تا متون مقدس و باستانی دین زرتشتی - اوستا به زبان ایرانی باستان و ترجمه‌ها و تفسیرهای آن به فارسی میانه مشهور به زند - با وجود فراز و نشیب‌های تاریخی ایران باقی بماند.

متن اوستایی موجود را به دو گروه تقسیم می‌کنند که بر اساس کاربرد آیینی‌شان تعریف‌پذیر است. نخستین دسته از این متون را موبدان در مراسم قرائت می‌کنند که عبارت‌اند از:

یسنا «نیایش»، ویسپرد «همه سروران» و ویدوداد «قانون کسانی که دیوان را می‌رانند». دسته دوم این متون شامل دعا و سرودهایی به نام «یشت‌ها» و دعاهایی به نام خرده‌اوستا است که همه افراد جامعه می‌توانند آن را بخوانند. تمام این متون به این دلیل به جا مانده‌اند که مراسم دینی را باید به زبان اصلی یعنی اوستایی - زبان دوره خاصی از تاریخ - قرائت می‌کردند. اما متن‌هایی که نقش آیینی نداشته‌اند، یا عموماً از بین رفته‌اند یا در نهایت به حالت بسیار بدی منتقل شده‌اند.

مراسم یسنا بدون شک مهم‌ترین آیین در بین مراسم زرتشتی است. این مراسم را روزانه به درخواست یکی از افراد جامعه برگزار می‌کنند. آغاز مراسم، در هنگام طلوع آفتاب (هاون گاه) است. این آیین را امروزه دو مقام رسمی مراسم، یکی روحانی اصلی (زوت) و دستیار او (راسپی) در قسمت‌های درونی آتشکده برگزار می‌کنند. آنها این مراسم را برای فردی از جامعه، که برگزاری آن را درخواست کرده و بدین‌منظور پولی پرداخت کرده، انجام می‌دهند. افراد عادی می‌توانند در طول مراسم حضور داشته باشند، اما الزامی نیست. نه تنها این مراسم، بلکه متنی از اوستا نیز که در طول برگزاری مراسم خوانده می‌شود، یسنا نام دارد که شامل مهم‌ترین دعاهای آیینی زرتشتی است. این متن ۷۲ فصل دارد که در زبان اوستایی به هر یک از فصل‌های آن هایتی (*hāiti*) می‌گویند. این مراسم را، که مختوم به *ti* است، از ریشه *hā* (= ودایی *sā*) «بستن» گرفته و آن را تحت‌اللفظی «بند» معنا می‌کنند.

این واژه احتمالاً، به لحاظ واژگانی، یعنی یک «بسته» یا ساخت ادبی مستقل. در اعمال دینی، کمر بند مقدس زرتشتیان، کشتی، را به ۷۲ رشته به هم می‌بافند، که به گونه‌ای نمادین بیانگر ۷۲ هات یسنا است. مراسم یسنا، همواره جایگاه مخصوصی نزد زرتشتیان داشته است. به همین دلیل، کل متن اوستای کهن موجود در مرکز آن قرار دارد. مهم‌ترین این قسمت، سروده‌هایی است به نام گاهان که بر اساس سنت به زرتوشتره، پیامبر و پایه‌گذار دین زرتشتی، تعلق دارد. در مرکز همین گاهان، متن مهم دیگری وجود دارد به نام یسنای هپتنگهائی *haptanhāiti* یا «نیایش هفت فصل». چنان‌که از نامش پیدا است، این متن شامل هفت هایتی است.

بنابراین، در مرکز ۷۲ فصل یسنا، یسنای هفت فصلی کوتاه دیگری وجود دارد. اما به رغم اینکه نام این یسنای کوتاه‌تر در سراسر اوستا یافت می‌شود، ظاهراً نامی از متن ۷۲ فصلی در جایی نیست. ظاهراً نه در خود اوستا و نه در هیچ کدام از نسخه‌بدل‌های آن به این متن به عنوان یسنا اشاره نکرده‌اند. این مسئله را حالت متغیر اصطلاحات فارسی میانه تأیید می‌کنند که واژگانی چون «یشت»، «یزشن» و «یسن» فقط بیانگر آیین مهم اوستایی یسنا هستند. ژان کلنز نتیجه می‌گیرد که استفاده از عنوان یسنا برای متن ۷۲ فصلی حاصل تحقیقات اوایل قرن نوزدهم است که بورنوف این اصطلاح را احیا کرد.

این مقاله می‌کوشد به بررسی نقش هفت‌ها در آیین مهم زرتشتی پردازد و همچنین این نکته که تا چه حد بخش‌های متأخر یسنا تحت تأثیر بخش مرکزی یا وابسته به آن است. نخست از جایگاه یسنای هپتنگهائی «یسنا ۷۲ فصل» و سپس از دو آیین دیگر زرتشتی بر اساس یسنا، یعنی آیین‌های ویسپرد و وندیداد، سخن می‌گوییم. خواهیم دید که هپتنگهائی (هفت‌ها) در مرکز هر یک از سه آیین مهم زرتشتی قرار دارد و در ادامه به این موضوع می‌پردازم که چنین جایگاهی می‌تواند نشان دهد که هپتنگهائی متن محوری مراسم آیین زرتشتی است. این دیدگاه را بررسی کاربرد واژه «یسنا» در اوستا تأیید می‌کند که نتیجه آن بیانگر این مطالب است که سرتاسر تألیف متون اوستایی، یسنای هپتنگهائی به طور کامل نیایش یا یسنا قلمداد می‌شد و الگویی را برای دعا‌های ستایش‌آمیز اوستایی جدید همراه با فعل *yazamaide* «ستایش می‌کنیم» فراهم کرد.

یسنای هپتنگه‌ایتی و ساختار یسنا

چنان‌که گذشت، متنی که در طول آیین یسنا می‌خوانند به ۷۲ فصل یا هایتی تقسیم می‌شود. اما، این عدد به طور ساختگی و با تکرار برخی از فصل‌های خاص به دست آمده است. مثلاً یسن ۵ کاملاً تکرار یسن ۳۷ یا فصل سوم یسنای هپتنگه‌ایتی است و کل سروده‌های گاهانی یسنای ۴۷ دوباره در یسن ۱۸ و ۶۸ تکرار می‌شود. نمونه‌های بسیار دیگری در بخش‌های اوستای جدید کتاب یسنا وجود دارد که از اوستای کهن بدان ضمیمه کرده‌اند. با وجود این، تقسیم یسنا به هایتی ظاهراً امری قدیمی است.

یسنا به سه بخش بزرگ تقسیم می‌شود. دو بخش اوستای جدید که در میان آنها یک بخش اوستای کهن قرار دارد. در بخش مرکزی آن، اوستای کهن، یعنی گاهان، قرار دارد که در دو سوی آن دعا‌های مقدس و در میان آن یسنای هپتنگه‌ایتی قرار دارد. بنابراین، یسنا نشانگر نوعی ساختار ترکیبی متحدالمرکز است. دایره‌های بیرونی آن را ستایش‌هایی برای اهوره‌مزدا و آفریده‌های مینوی و مادی او تشکیل می‌دهند. نیمه نخست یسنا، یسن ۱-۲۷ دارای سه بخش دعا، شامل یسن ۱-۸، ۴-۱۸، ۲۲-۲۶ است. آنها به ترتیب خطاب به اهوره‌مزدا، امشاسپندان، بخش‌های مختلف زمان، معروف به رتو *ratu* و دیگر ایزدان است. این بخش‌های متناوب با متون ستایش‌هایی که مختص موضوعات ویژه‌ای است همراه‌اند. نظیر ستایش هوم (یسن ۹-۱۱)، آیین مزدیسنا (یسن ۱۲) و تفسیرهایی بر سه دعای مقدس (یسن ۱۹-۲۱).

محتوای بخشی که پس از هسته اوستای کهن می‌آید، یعنی یسن ۵۷ تا ۷۲، را تعداد کمی دعا و عمدتاً متونی با مضمون خاص تشکیل می‌دهد. این بخش‌ها عبارت‌اند از ستایش سروش (یسن ۵۶-۵۷)، مانتره درباره پرورش گله (یسن ۵۸)، سه دعا برای خواندن مزدیسنا (یسن ۶۰)، ستایش آتش (یسن ۶۲) و آب زوهر (یسن ۶۳-۷۰). مرکز دقیق کل ۷۲ فصل یسنا، یسن ۳۶ و ۳۷ یعنی دومین و سومین فصل هفت‌ها است.

یسن ۳۶ درباره آتش مینوی اهوره‌مزدا است که انگیخته و فراخوانده می‌شود تا فرود آید و با آتش آیینی درآمیزد. در طول اجرای مراسم، این فرآیند باید بین بندهای ۲ و ۳ اتفاق می‌افتاد، زیرا در بند سه آتش آیینی با آتش مینوی اهوره‌مزدا و با مقدس‌ترین مینویش یکسان می‌شود.

یسن ۳۶ بند ۳:

atarš vōi mazdā ahūrahiā ahī

تو به راستی آتش مزدا اهوره هستی

mainiiūš vōi ahiā spəništō ahī

تو به راستی سپندترین مینویش هستی

hiiaṭ vā tōi nāmanām vāzištəm

با آنچه نیرومندترین نام‌های تو است

atarə mazdā ahūrahiā

ای آتش مزدا اهوره

tā θwā pairijasāmaidē

به تو نزدیک می‌شویم

در پایان این فصل در بند ۶، آتش آیینی را به عنوان زیباترین شکل اهوره-مزدا

خطاب قرار می‌دهند:

یسن ۳۶ بند ۶:

sraēštəm at tōi kəhrpəm kəhrpəm

اعلام می‌کنیم ای مزدا اهوره

āuuāēdaiiamahi mazdā ahurā

این روشنی‌ها

imā raocā

زیباترین پیکر از پیکرهای تو آند

barəzištəm barəzimanqəm auuaṭ

از زمانی که بلندترین بلندی‌ها

yāṭ huuarə auuācī

خورشید نامیده شد

پس می‌توان چنین در نظر گرفت که از زمان اجرای مراسم آیینی، پرستشگران خود

را در پیشگاه اهوره-مزدا قلمداد می‌کردند که در قالب آتشی آیینی، که در برابر آن

ایستاده‌اند، ظهور یافته است.

ستایش به بخش مرکزی خود در فصل‌های ۳۷-۳۹ وارد می‌شود. استفاده مکرر از صورت فعلی «ستایش می‌کنیم» در قالب اوستایی Yazamaide که در این متن کوتاه ۱۷ بار تکرار می‌شود، ویژگی بارز این فصول است. در واقع، این صورت خاص در اوستایی متقدم منحصر به این سه فصل است که عبارت مرسوم «ستایش» در آن به کار رفته است. نخست اهوره‌مزدا را به عنوان خالق گاو و راستی، آب‌ها و گیاهان، روشنایی‌ها و زمین و تمام چیزهای خوب ستایش و تمجید کرده است:

یسن ۳۷ بند ۱ و ۲:

iθā āt yazamaidē ahurəm mazdqm

پس اهوره‌مزدا را ستایش می‌کنیم

yā gqmā aṣmca dāt

که گاو راستی را آفرید

apascā dāt uruuarāscā vaīhīš

آب‌ها و گیاهان نیک را آفرید

raocāscā dāt būmīmcā vīspācā vohū

روشنی و زمین و همه خوبی‌ها را آفرید

ahiiā xšaθrācā mazānācā hauuapaṅhāiścā

به سبب شهریاری، بزرگی و نیروی آفرینندگی‌اش

tām at yasnanqm pauuruatātā yazmaidē

پس او را با برتری ستایش‌های آنها ستایش می‌کنیم

yōi gauš hacā štieiṅti

که در کنار گاو جای دارند

این بند با مضمون سرود گاهانی یسن ۴۴ بند ۳-۵ شباهت و نیز با عبارت Yasnanqm Pauruua tātā «با برتری ستایش» یسن ۳۳ بند ۱۴ ارتباط دارد. در ادامه سرود، اهوره‌مزدا را در نام‌های اهورایی‌اش و برای هدایت برگزیدگان (*frauuaši*) مردان و زنان پاک (یسن ۳۷ بند ۳) ستوده‌اند. نام‌های اهورهی او جداگانه در دو بند پایانی این یسن فهرست شده‌اند که عبارت‌اند از: «بهترین راستی» (یسن ۳۷ بند ۱۴، «اندیشه نیک» (*vohumanah*): «شهریاری نیک» (*vohux šaθra-*); «بینش نیک» (*vañhīdaēnā-*); «درست‌اندیشی نیک»

(*vanhī armaidī-*) (یسن ۳۷ بند ۵). پرستش در فصل ۳۸ با ستایش زمین و زنان (*gənā*)، که از آن اهوره‌مزدا هستند، پایان می‌یابد (یسن ۳۸ بند ۱). آنها با نیروهایی چون نثار چربی (*iZā*)، تطهیر (*yaošti*)، کمال (*fərašti-*)، درست‌اندیشی (*ārmaiti*)، در حین مراسم، مشخص می‌شوند. همچنین پاداش (*ašti-*)، نیرو (*iš-*)، نثار (*āzūiti-*)، دعا (*frasasti-*) و فراوانی (*parəndi-*) را ستایش کرده‌اند. در بخش مرکزی هفت‌ها یسن ۳۸، ستایش با ستایش آب‌ها به اوج می‌رسد (یسن ۳۸ بندهای ۳-۵).

یسن ۳۹، سومین و آخرین فصل که *yazamaide* دارد، روان گاو، سازنده گاو، و نیز روان خود ستایشگران همچون روان چهارپایان اصلی (یسن ۳۹ بند ۱) و روان بی‌زیان و پرهیزگاران (یسن ۳۹ بند ۲) و در نهایت امشاسپندان مذکر و مؤنث را ستایش می‌کند و در بند آخر، همه نیرو، به اهوره‌مزدا پیش‌کش می‌شود (یسن ۳۹ بند ۴).

اهمیت دینی و آیینی یسنای هپتنگه‌ایتی را برای زمانی طولانی، به دلیل همین فصول، دارای *yazamaide* می‌انگاشتند. این‌طور برداشت می‌شود که یسنای هپتنگه‌ایتی از لحاظ خصوصیتی چون تطویل و ساختار یکسان شبیه دیگر بخش‌های اوستایی جدید دارای بندهای *yazamaide* است. اما بر اساس تحقیقات یوهانا نارتن (۱۹۸۶ م.) اکنون مشخص شده که هفت‌ها در کنار گاهان و دعا‌های مقدس به ادبیات کهن اوستایی تعلق دارد. این بازبینی، نظرات پیشین در باب متون اوستایی جدید را تغییر داد. این جمله که، یسنای هپتنگه‌ایتی از لحاظ عبارت‌های دعایی شبیه اوستای جدید است، درست نیست؛ بلکه برعکس تحقیقات بعدی مشخص کرد که تلاش‌هایی شده تا متون اوستای جدید شبیه بخش مرکزی یسنای هپتنگه‌ایتی نوشته شود. روشن‌ترین گواه، استفاده ثابت از *yazamaide* «ستایش می‌کنیم» اوستای کهن در متون اوستای جدید است.

در اوستای جدید، ندبه‌ها و دعاها مانند هفت‌ها با ستایش اهوره‌مزدا شروع می‌شود.

یسن ۱ بند ۱:

nīuuāzdaīemi haṅkārāīemi

فرا می‌خوانم، انجام می‌دهم

daθušō ahurhe mazdā

(ستایش) دادار اهوره‌مزدا

raēuuatō xʷarənanhatō

که رایومند و فرهمند است

mazištaheca vahištaheca sraēštaheca

بزرگ‌ترین، بهترین، زیباترین

xraoždīštaheca xraθwištaheca hukarəptamaheca

استوارترین، خردمندترین، خوب‌ترین

صفات عالی بزرگ‌ترین، بهترین، زیباترین (*mazištaheca vahištaheca sraēštaheca*) در آغاز یسن ۱ بند ۱ بیانگر صفات اهوره‌مزدا هستند که نخستین بخش فعل *yazamaide* بند ۱ و ۲ یسنای ۳۷ را به یاد می‌آورند که در آنجا گفته شده که اهوره‌مزدا تمام چیزهای خوب را «به سبب بزرگی‌اش» (*mazānā* یسن ۳۷ بند ۲) آفریده است. این نظر بعدها در اوستای جدید در عباراتی مرسوم، *masanascā vañhanaca sraiiānaca* (به واسطه بزرگی، خوبی و زیبایی) انعکاس یافته که حالت اضافی آن در عبارتی شبه‌کهن *masanascā vañhānascā sraiiānascā* در یسن ۵۸ بند ۴ آمده است. همچنین، همان‌گونه که ژان کلنز بیان کرده، صفت «خوب‌ترین»- *hukarəptama* برای اهوره‌مزدا در یسن ۱ بند ۱ را می‌توان بر مبنای یسن ۳۶ بند ۶ تفسیر کرد، که در آن آتش آیینی به عنوان زیباترین پیکر خطاب قرار گرفته است.

ستایش اهوره‌مزدا در یسن ۱ بند ۲ با ستایش امشاسپندان ادامه یافته که نام آنها به ترتیب بیان می‌شود:
یسن ۱، بند ۲:

niuuaēdaiemi hañkārāiemi

فرا می‌خوانم، انجام می‌دهم (ستایش)

vañhauue manañhe

برای اندیشه نیک

ašāi vahištāi

برای بهترین راستی

xšaθrāi vairiīai

برای شهریاری مطلوب

spəñtaiīai ārmatāe

برای راست‌اندیشی فزونی‌بخش

hauruuat̥biia amərət̥biia

برای هر دو، کمال و بی‌مرگی

gāuš tašne gāuš urune

برای سازنده گاو، برای روح گاو

āθre ahurahe mazdā

برای آتش اهوره‌مزدا

yaētūštāmī amāšanqm spəntanqm

که در میان بی‌مرگان فزونی‌بخش، برترین جایگاه را گرفته است این فهرست تقریباً با یسن ۳۷ بندهای ۳-۴ و یسن ۳۹ بند ۱ هفت‌ها مطابقت دارد. البته گفتنی است تمام موجودات و صفاتی که در یسن ۱ بند ۲ ستوده شده در هفت‌ها ستایش نمی‌شود و این به آن دلیل است که امشاسپندان، آن‌گونه که در اوستای جدید معمولاً یک گروه ثابت هفت‌تایی هستند، در یسنای هفت‌ها نیستند. اما نکته جالب اینجا است که هم در یسن ۱ بند ۲ و هم در یسن ۳۹ بند ۱ سازنده گاو و روان گاو را می‌ستایند. همچنین آتش (*ātar*) به‌وضوح، امشاسپند خطاب می‌شود. بنابراین، به لحاظ الاهیاتی یسن ۱ بند ۲ با عقاید هفت‌ها تطبیق بیشتری دارد تا با نظام ثابت اوستای جدید. اشاره دیگر به هفت‌ها می‌تواند در صفت آتش *yaētūštama* «بلندجایگاه‌ترین» باشد که مرجع آن یسن ۳۶ است.

این دعای ابتدایی در یسن ۱ با ستایش بخش‌های مختلف ادامه می‌یابد:

روز (یسن ۱ بندهای ۳-۷)؛ ماه (یسن ۱ بند ۱۸)؛ سال (یسن ۱ بند ۹) و تمام

قسمت‌های زمان (*vīsperatauuō-*) (یسن ۱ بند ۱۰).

این فهرست با ستایش «اهوره و میترا» (یسن ۱ بند ۱۱)، آتش (*ātar-*)، پسر

اهوره‌مزدا و آتش‌ها و آب‌ها و گیاهان ادامه می‌یابد:

یسن ۱ بند ۱۲:

niiuaēdaiemi haṅkārāiemi

فرا می‌خوانم، انجام می‌دهم (ستایش)

tauua āθrō ahurahe mazdā puθra

تو، ای آتش، ای پسر اهوره مزدا

maṭ vīspaēibiūō ātərəbiūō

همراه با همه آتش‌ها

niuuāēdaiemi haṅkārāiemi

فرا می‌خوانم، انجام می‌دهم (ستایش)

aiwiūō vaṅhibiūō

آب‌های نیک

vīspanəmca apəm mazdadātānəm

و همه آب‌های مزدا آفریده را

vīspanəmca uruuanəm mazdadātānəm

و همه گیاهان مزدا آفریده را

یسن ۱ بند ۱۲ یادآور یسن ۳۷ بند ۱ است که در آن اهوره مزدا را به عنوان خالق آب‌ها و گیاهان نیک می‌ستایند. این مشاهدات بیان می‌کند که الهام‌بخش نخستین هات *hāiti* یسنا ستایش هفت‌ها بوده است. برای دیگر بخش‌ها نیز، که ستایش‌گرانه هستند، همین کاربرد را می‌توان دید، یعنی یسنای ۲-۴، ۶-۸ و نیز ۱۴-۱۸ و ۲۲-۲۶ (که تکرار مطالب یسن ۳ و ۱۴ است). زیرا این بخش‌ها، ساختارشان با یسن ۱ یکسان است. یسنای هپتنگه‌ای، که آغازگر متن‌های ستایشی است، به عنوان مدل بسیاری از بندهای دارای *yazamaide* بخش‌های اوستای جدید یسنا است. ارتباط بین فصل‌های آغازین یسنا و هفت‌ها با تکرار یسنای ۳۷ که همانند یسن ۵ است بیشتر می‌شود. یسن ۵ در واقع هشت هات نخست یسنا را به دو نیمه تقسیم می‌کند. پس از این یسن، یسن ۶ با صورت *yazamaide* دار خود در ستایش گروهی از ایزدان مطابق با یسن ۲، ۱۷ و ۵۹ است و یسن ۷ با یسن ۳ مطابقت دارد و تنها تفاوت آنها در فصل‌هایشان است. یسن ۷ در بندهای ۲۴-۲۵ با بندهایی که دوباره از هفت‌ها (یسن ۴۱ بند ۵-۶) گرفته پایان می‌یابد. هر یک از فصل‌های یسنای هپتنگه‌ای با دعای ینگه هاتام خاتمه می‌یابد. هفت‌ها از این لحاظ با قسمت‌های *yazamaide* دار بخش اوستای نویسنا و یشت‌ها، که هر کرده با این دعا پایان می‌یابد، مشترک است.

این قسم از ادبیات ستایشی را می‌توان با مضمون دعای ینگه هاتام، که ستایش طیف وسیعی از ایزدان مذکر و مؤنث را در کنار اهوره مزدا توجیه و توصیه کرده، تفسیر کرد. چنین ستایشی، مضمون مشترک یسنای هپتنگهایتی و بخش‌های نیایشی اوستای جدید یسنا و نیز یشت‌ها است.

جایگاه هفت‌ها در مراسم ویسپرد و نندیداد

متن یسنا را، که احتمالاً قدیمی‌ترین شکل آیین عبادی زرتشی را تشکیل داده، به گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که در مرکز خود همه متون اوستای کهن را دارد. در دوره‌های بعد از اوستای کهن، این هسته مرکزی نه تنها با افزودن متن‌های متفاوت بیشتر به قبل و بعد از قسمت مرکزی اوستای اصلی کهن، بلکه همچنین با الحاق بخش‌هایی از اوستای جدید در هسته اوستای کهن حجیم‌تر شد. این الحاقیات را همواره در نقاط کلیدی انجام داده‌اند. جالب‌تر آنکه، دو فقره از الحاقیات، یعنی بند ۱ یسن ۳۵ و ۴۲، را در جوار مستقیم هفت‌ها می‌توان یافت؛ یکی قبل و دیگری بعد از هفت‌ها.

الحاقی دیگر یسن ۵۲ است که پس از گاه چهارم قرار گرفته و بدین صورت گاه چهارم را از گاه پنجم، یعنی یسن ۵۳، جدا می‌کند. علاوه بر این، با اضافه کردن فصول بیشتر به یسنا، مراسم ویسپرد شکل گرفته و به همین ترتیب با گسترش بیشتر آن طولانی‌ترین مراسم زرتشتی، یعنی مراسم وندیداد، را به وجود آورده‌اند. مضمون فصل‌ها یا کرده‌های ویسپرد با فصل‌های یسنا، که قبل یا بعد از آن خوانده می‌شوند، وابسته است، مثلاً ویسپرد ۱۶، که بعد از هفت‌ها خوانده می‌شود، آن متن را ستایش می‌کند. در مقابل مضمون ۲۲ فصل (فرگرد) وندیداد نه ارتباطی با یسنا دارد و نه با متن‌های ضمیمه شده ویسپرد. این آشکار است که آنها را کاملاً ساختگی در کنار یکدیگر قرار دادند. با وجود این، گفتنی است که جفت‌های فصل‌های وندیداد را فقط در میان یا اطراف اوستای کهن ضمیمه کرده‌اند.

الگوی ترتیبی آنها بدین صورت است که: مثلاً یک گاهی را چون سپننه مینوگاه، یسن ۴۷-۵۰ را با دو کرده از ویسپرد، ویسپرد ۱۸ در قبل و ۱۹ در بعد، همراه کرده‌اند. ویسپرد ۱۸ ستایش اشتودگاه پیشین است، در حالی که ۱۹ در ستایش سپننه مینوگاه است که بعد از آن قرائت می‌شود. پس یک گاه با یک کرده ویسپرد همراه است. در مراسم

و نندیداد، فصول ۱۳-۱۴ و نندیداد بعد از کرده ۱۹ و یسپرد خوانده می شود که سپننه مینوگاه قبل از خود را می ستاید و قبل از وهوخشتره گاه، یعنی یسن ۵۱، واقع شده است. در مقابل، این الگوی اساسی درباره یسنای هپتنگه‌ایتی تغییر می کند. بعد از آخرین بخش *hāiti* اهونودگاه، یعنی یسن ۳۴، و یسپرد ۱۴ در ستایش آن گاه خوانده می شود. در مراسم و نندیداد، فرگرد ۷-۸ و نندیداد بعد از آن قرار می گیرد. اما، در قرائت همانندگاهان مستقیماً بر سر آن یسن نمی رود. بلکه یک فصل دیگر و یسپرد هم ضمیمه می شود که همچون نشانه‌ای برای شروع بخش جدید عمل می کند. علاوه بر این، یسنای هپتنگه‌ایتی با فصلی از اوستای جدید همراه است. این متن همانند یسن ۴۲، که به دلیل ستایش گاه‌های قبل از خود به کرده‌های و یسپرد شباهت دارد، بخشی از اوستای موجود را شکل می دهد. یسن ۴۲ امشاسپندان، هپتنگه‌ایتی، آفریده‌های مادی اهوره‌مزدا، مخصوصاً آب‌ها، کوه‌ها و دریاها را ستایش می کند. بعد از یسن ۴۲، دو (نه یک) کرده از و یسپرد، کرده ۱۶-۱۷ می آید که در هر دوی آنها یسنای هپتنگه‌ایتی ستایش می شود. در مراسم و نندیداد، دو فرگرد از و نندیداد، فرگرد ۹-۱۰ خوانده می شود. این ترتیب بیان می کند که هم یسنا و هم و یسپرد با انضمام فصل‌های اضافی به قبل و بعد از هفت‌ها، اهمیت خاصی به آن داده‌اند.

ظاهراً، کل و یسپرد با قرائت متون کهن اوستایی پیوند دارد که در آن از کرده ۱ بند ۳-۸، یعنی همان آغاز و یسپرد، استمداد می شود.

گسترش یافته یسنا به واسطه و یسپرد و نندیداد

اما، بحث‌های بیشتری وجود دارد. کرده ۲۱ و یسپرد که بین ۲۰ و ۲۲ خوانده می شود، در ستایش «یسنای هپتنگه‌ایتی دیگر» است. بارتلمه معتقد بود عبارت *apara-yasna-haptanhāiti* به فصلی از اوستای جدید، یسن ۵۲، اشاره دارد. در خصوص این تفسیر دو مشکل وجود دارد؛ نخست اینکه کرده‌هایی از و یسپرد، هات‌هایی از یسنا را می ستاید که معمولاً پس از آنها می آید، نه پیش از آنها؛ و دیگر اینکه اگرچه یسن ۵۲ شامل ستایش اهوره‌مزدا و آفریدگانش است، اما هم از لحاظ زبانی و هم متنی کاملاً با هفت‌ها متفاوت است. این به‌روشنی بیان می کند که یسن ۵۲ را به هیچ روی نباید یسنای هپتنگه‌ایتی «دوم» یا «دیگری» نامید.

تفسیر دارمستتر را که بارتلمه رد کرد بسیار محتمل‌تر است. طبق نظر دارمستتر، عبارت بیان‌شده در آغاز کرده ۲۱ ویسپرد به بازخوانی دوباره یسنای هفت‌ها اشاره دارد. بر اساس نظر گلدنر در ویرایش خود از اوستا، در آغاز کرده ۲۱ ویسپرد نه فقط کل هفت‌ها (یسن ۳۵-۴۱) بلکه ضمیمه اوستای جدید نیز (یسن ۴۲) باید از نو خوانده شود. بنابراین، این فرض کاملاً درست است که در مراسم ویسپرد و وندیداد عبارت *apara-yasna-haptaṅhāiti-* در آغاز کرده ۲۱ ویسپرد به قرائت دوباره یسنای هپتنگه‌ایتی اشاره دارد.

دستور کوتواله در گفت‌وگویی شخصی می‌گفت خوانش دوباره یسنای هپتنگه‌ایتی در مراسم ویسپرد و وندیداد بیانگر مرحله زیبایی و اختصاصی از آیین زرتشتی است. زیرا هفت‌های دوم را نه روحانی اصلی، زوت، بلکه همکار او، راپسی، می‌خواند.

در واقع، زوت فرصت لذت بردن از بقیه مراحل را می‌یافت. صدای خوانش دوباره یسنای هپتنگه‌ایتی به طور اختصاصی بسیار دلپذیر و زیبا به نظر می‌رسد؛ چراکه راپسی تمایل داشت دعا را آهسته و با تأکید بیشتری بخواند که آن را از بخش‌های طولانی وندیداد و ویسپرد متمایز می‌کرد. نکته این است که در مراسم وندیداد، کرده ۲۱ ویسپرد دقیقاً همانند قرائت نخست هفت‌ها در یسن ۳۵-۴۲ است. کرده‌های ۲۱-۲۲ ویسپرد صرفاً نمونه‌ای مقررشده است که در آن دو فصل وندیداد را قبل و بعد از بخش‌هایی از ویسپرد قرائت می‌کنند، بدون آنکه هیچ‌هاتی از یسنا در آن قرار گیرد. تنها توجیه در این باره این است که کل هفت‌ها یعنی *apara-yasna-haptaṅhāiti-* است که در بین هر دو فصل وندیداد خوانده می‌شود. بدین صورت، به قرائت دوباره هفت‌ها اهمیت خاصی می‌دهند. همچنین، در مراسم ویسپرد، هفت‌ها تکرار می‌شود و کرده‌های ۲۱-۲۲ ویسپرد را، که به عنوان «یسنای هپتنگه‌ایتی دیگر» *apara-yasna-haptaṅhāiti-* خوانده‌اند ستایش می‌کنند، و بعد از آن یسن ۵۲ می‌آید؛ یک فصل اوستای جدید که به متن اوستایی کهن ضمیمه کرده‌اند.

بعد از قرائت دوم هفت‌ها، خود متن در کرده ۲۱ ویسپرد ستایش می‌شود: آب‌ها، گیاهان، فروشی پاکان (کرده ۲۱، بند ۱) و در نهایت، در بند ۴، خود یسنای *apara-yasna* ستایش می‌شود.

ویسپرد ۲۱ بند ۴:

aparam yasnam yazmaide

یسنای دیگر را ستایش می‌کنیم

aparahe yasnahe yasnam yazamide

ستایش یسنای دیگر را ستایش می‌کنیم

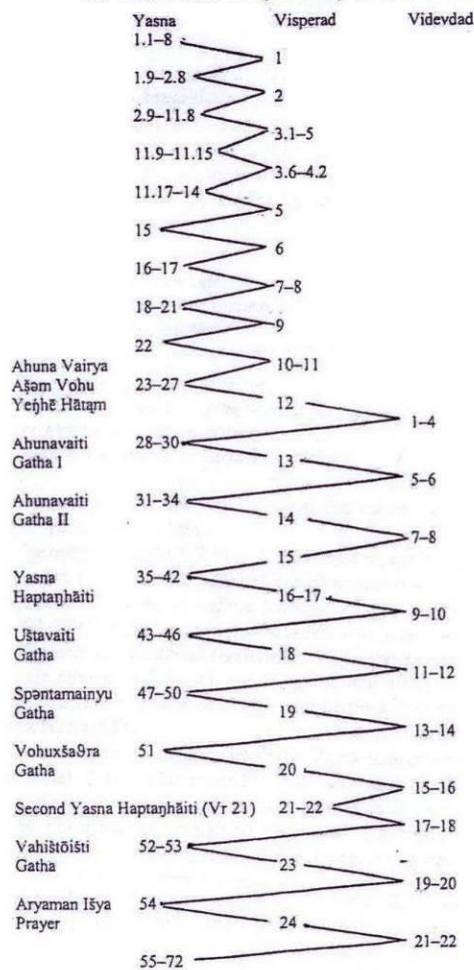
aparahe yasnahe yazamide hāitišca ašmanāca vacascā vacastaštūmca

فصل‌ها، هجاها، واژه‌ها و جملات یسنای دیگر را ستایش می‌کنیم.

قرائن زیادی در این یسن بیان می‌کند که *apara- yasna* کوتاه‌شده *apara- yasna-* هپتنگه‌ایتی *haptanhaiti* است. ورود هفت‌ها به مراسم ویسپرد و وندیداد جایگاه بلند این متن ویژه را بیان می‌کند. ترتیب دعا‌های هر سه متن آیینی مهم دین زرتشتی اطراف هفت‌ها می‌چرخد. تمرکز روی پایه‌های هفت، نه تنها در مراسم یسنا بلکه در مراسم ویسپرد و وندیداد، است. از آنجایی که مراسم یسنا در هنگام قرائت یسن ۳۵-۴۱ به اوج خود می‌رسد، مراسم ویسپرد و وندیداد نیز در کرده ۲۱ ویسپرد، که در قرائت دوم یسنای هپتنگه‌ایتی خوانده می‌شود، به اوج دست می‌یابد.

در هنگام قرائت یسنای هپتنگه‌ایتی و گاه‌های یسن ۴۳-۴۵ هیچ عمل آیینی انجام نمی‌دهند. اما قرائت بخش‌های دیگر آیین یسنا با اعمال ویژه‌ای همراه است. به هر روی، به جای اینکه نبودن عملی را نتیجه از یاد رفتن یا از دست دادن آیین خاصی بدانیم، بهتر است آن را سنتی باستانی برای هماهنگی با متن یسنای هپتنگه‌ایتی در نظر بگیریم و هدف از آن را ستایش اهوره‌مزدا و آفرینش‌های مادی و معنوی‌اش محسوب کنیم.

The Yasna extended by the Visperad and Videvdad



هفت‌ها و مراسم آیینی آب‌ها

همان‌طور که در قسمت نخست بحث کردیم، دعاها و عبارت‌های yazamaide بخش‌های اوستایی نو کتاب یسنا، برگرفته از یسنای هپتنگهایتی است. از نمونه‌های بارز آیین اوستای جدید، که از یسنای هپتنگهایتی تأثیر گرفته، باید به آیین آب‌ها یا آب زوهر اشاره کرد که بخشی از آیین عبادی یسنا است (یسن ۶۲، بند ۱۱ و یسن ۷۰). این مراسم در یسن ۶۲ بند ۱۱ با این صورت آغاز می‌شود:

aiwi.gərədmahi arqm vaḥhīnqm

«به آب‌های نیک» خوشامد می‌گوییم

frāitīmca paitīīmca aibijarātīmca

به پیش‌رفتن و بازگشتن و خوشامد [آنها]

و در یسن ۷۰ بند ۶ با همین عبارات پایان می‌یابد:

arqm vaḥhīnqm yazamaide

«به آب‌های نیک» ستایش می‌کنم

frāitīmca paitīīmca aibijarātīmca

به پیش‌رفتن و بازگشتن و خوشامد [آنها]

تنها تفاوت این دو بند معروف، جایگزینی فصل *aiwi.gərədmahi* «خوشامد می‌گوییم» و یسن ۶۲ بند ۱۱ به *yazamaide* «ستایش می‌کنیم» در یسن ۷۰ بند ۶ است. یسن ۶۲ بند ۱۱ و یسن ۷۰ بند ۶ به ترتیب آیین آب‌ها را آغاز می‌کنند و به پایان می‌رسانند. جایگاه آغاز و پایانی آنها بیانگر آن است که عبارت تقریباً یکسان در دو بند به احتمال به این آیین باز می‌گردد.

اگرچه در اوستای کهن هیچ شاهی مبنی بر وجود دو واژه *frāiti-* و *paiti-* در دست نیست، اما شکل آوایی واژه سوم این عبارت *aibijarāti-* «خوشامد» بیان‌کننده آن است که این واژه مانند *yazamaide* وام‌واژه از اوستای کهن است. مؤید این نظر وجود صامت میان واکی b به جای صورت اوستایی جدید آن، صامت دولبی سایشی، است. صورت فعلی *aibijarāti-*، که در متن‌های اوستایی جدید فقط به صورت اوستایی کهن خود آمده، متعلق به گروهی از مشتقات ترکیب، *aibi-jar* «خوشامدگفتن» است. این واژگان از لحاظ معناشناختی به خوشامدگویی و پذیرش ایزدان که دعوت را پذیرفته‌اند و به محل اجرای مراسم ستایش آمده‌اند، اشاره دارد. به کارگیری مجدد صورت اوستایی کهن در متون اوستایی جدید بیانگر آن است که همان‌طوری که در متون اوستایی کهن با قدرت جای گرفته بودند، در متون ستایشی اوستایی جدید نیز درک و وام گرفته شدند.

تنها متن اوستای کهن، که در آن صورت *aibi-jar* به کار رفته، یسنای هپتنگه‌ای

است. در بند نخست یسن ۳۵ بند ۲، پرستشگران اعلام می‌کنند:

humatanqm hūx tanqm huuaršanqm

ما خوشامدگویان اندیشه‌های نیک، گفتارهای نیک، کردارهای نیک هستیم
vərəzīiamnanqm̐cā vāuuwərazananqm̐cā

که انجام می‌شوند و انجام شده‌اند

iiadacā aniiadacā

اینجا و جاهای دیگر

naēnaēsārō yaθnā vohunqm̐ mahī

ما نکوهش‌گران (چیزهای) خوب نیستیم.

عبارت آغازین «ما خوشامدگویان» در مقدمه بند یسنای هپتنگهائی، احتمالاً به الگویی برای آغاز آیین آب‌ها در (یسن ۶۲، بند ۱۱) و خاتمه (یسن ۷۰، بند ۶) است. به رغم آنکه در یسن ۶۲ بند ۱۱ و یسن ۷۰ بند ۶ اعمال «پیش آمدن، برگشتن و خوشامد» *frāitīma paitīimcam aibijarētīma* ویژگی‌های متصل به «آب‌های نیک» هستند، همین عبارت در یسن ۷۱ بند ۶ بدون حالت اضافی به کار می‌رود:

یسن ۷۱ بند ۶:

vīspaēca pañca gāθā ašaonīš yazamaide

و ستایش می‌کنیم همه پنج گاه پاک را

vīspəm yasnəm

و ستایش می‌کنیم همه یسنا را

frāitīma paitīimca aibijarētīma yazamaide

و پیش آمدن و برگشتن و خوشامد را

آشکار است که عبادت «پیش آمدن و برگشتن و خوشامد» در اینجا مانند یسن ۶۲ بند ۱۱ و یسن ۷۰ بند ۶ اشاره به «آب‌های نیک» دارد. از آنجایی که در یسن ۷۱ بند ۶ این اعمال به همراه متون، یعنی «پنج گاه» و «یسنا» ستایش می‌شوند، احتمالاً این عبارت نیز اشاره به متنی دارد که می‌تواند آیین آب‌ها، آب زوهر، باشد که در ترکیب یسنای موجود شامل یسن ۶۲ بند ۱۱ و یسن ۷۰ است.

بارتلمه معتقد است دو واژه نخست عبادت *frāitīma paitīimca aibijarētīma* «به پیش رفتن و برگشتن» معنا می‌دهد و به عمل آیینی آب اشاره دارد. نارتن، برخلاف بارتلمه و بر اساس شواهد ودایی، معنای آنها را تغییر می‌دهد، یعنی *frāiti-* «رفتن» و *paititi-* «پیش آمدن» (*weggehen und Herangehen*).

برای روشن شدن موضوع و معنای دقیق‌تر عبارت *frāiti-* «رفتن» و *paititi-* «آب‌های نیک» از نیرنگستان می‌توان استفاده کرد، جایی که چهارمین و آخرین شاهد واژه *frāiti-* «پیش آمدن» به کار رفته است:

نیرنگستان ۴۸

kahmāt haca aṣṣam vañhīṇaṃ frāitiṣ frajasaiti

از کجا «پیش آمدن» آب‌های نیک پیش می‌روند؟

haca hū vax šāt ā hū frāšmō.dātōit pairi.sacait

از طلوع تا غروب خورشید شکل می‌یابد

taṭ hama taṭ aiwi.gāme

این (چنین است) در تابستان و نیز (چنین) است در زمستان

yō āpe zaōṭraṃ frabaraiti

آنکه زوهر را برای آب می‌برد

pasca hū frāšmō.dāitūmm para hū vax šāt

بعد از غروب (و) قبل از طلوع خورشید

nōit vañhō ahmāṭ śīiaoṭnəm vərəziieiti

انجام نمی‌گیرد کرداری بهتر از آن

yaṭa yaṭ hīm azōt višāpahe gastrəm paititāpta karšōit

انگار که آن را به دهان مار سمی می‌ریزد

این متن بخشی از توصیف پنج گاه را شکل می‌دهد که در نیرنگستان فصل ۴۶-۵۱ آمده است. فصل ۴۸ در واقع ضمیمه فصل ۴۷ نیرنگستان است که گاه بامدادی هاون را بیان می‌کند. و اگر در تصحیح خود از نیرنگستان آورده است که جای فصل ۴۸ نیرنگستان در هنگام برگزاری مراسم یسنا در کنار فصلی درباره گاه صبحگاهی (*hāuuanī*) درست‌تر است «پیش آمدن آب‌های نیت‌ها» را اشاره به عملی آیینی تفسیر کنیم، خواه این عمل بخشی از مراسم یسنا باشد و خواه به تنهایی اجرا شود. این عمل می‌تواند «آیین آب‌ها» آب زوهر باشد که توال و بوید نیز بیان کرده‌اند که هنگام قرائت آن در سپیده‌دم است.

در مقابل آن که در متنی دیگر «فراز روانه‌شدن آب‌ها» (*apam fəra-x šaostra-*) ستایش می‌شود در:

یسن ۴۲ بند ۶:

apamca fərax šaostrəm yazamaidē

ستایش می‌کنیم فراز روانه‌شدن آب‌ها را

viiqmā fərafraoθrəm yazamaidē

ستایش می‌کنیم فراز پروازی پرندگان را

اگرچه این‌طور به نظر می‌رسد که این بند پدیده‌ای صرفاً طبیعی را توصیف می‌کند اما عبارت *apamfrāiti-* «فراز آمدن آب‌ها» در یسن ۶۲ بند ۱۱؛ ۷۱ بند ۶؛ و نیرنگستان ۴۸ احتمالاً عملی آیینی در دین زرتشتی را بیان می‌کند. تمام متونی که در آن *FRAITI* «فراز آمدن» و *paīiti-* «بازگشتن» آمده، در معنای ضمنی آنها یک مفهوم آیینی آمده است؛ مخصوصاً جفت این واژگان که ظاهراً بیانگر عملی خاص‌اند که در مراسم رخ می‌دهند؛ زیرا فراز آمدن و بازگشتن آب‌ها دقیقاً همان چیزی است که در مراسم آب زوهر اتفاق می‌افتد. این مراسم بدین صورت است که روحانی اصلی (زوت) نوشیدنی تهیه شده بر اساس آیین، به نام زوهر، را از جام در دست چپ خود به جام دست راست، سپس از جام دست راست به جام دست چپ سر هم می‌ریزد. بنابراین، معجون مکرراً عقب و جلو می‌رود و ریخته می‌شود.

پس مجموعه *frāitīmca-paiīmca* بیانگر اصطلاح اوستایی است که بیشتر توصیف‌کننده حرکات آب‌ها در هنگام مراسم آب زوهر است. اگر چنین باشد، در واقع نوعی همسانی بین مضمون متنی که در مراسم یسنا خوانده می‌شود و عملی آیینی همراه با آن است.

این هماهنگی بیان می‌کند که متن اوستایی آب زوهر شامل بخش‌هایی است که بر اساس عمل آیینی آن سروده شده است. اگر چنین باشد مراسم آیین آب‌ها، آب زوهر حداقل به دوره اوستای جدید باز می‌گردد.

متون اوستای جدید مرتبط با مراسم آب‌ها، نشانه‌هایی از وابستگی به نوعی الگوی کهن اوستایی را دارد. مؤید این نظر اسم *aibijaraiti-* «خوشامد» است که وام‌واژه از اوستای کهن است. این واژه بخشی از عبارت معروف «پیش‌رفتن و بازگشتن و

خوشامد آب‌های نیک» را بیان می‌کند که آغاز و انجام آب زوهر در یسن ۶۲ بند ۱۱ و ۷۰ بند ۶ است. ارتباط *aibijar* با یسنای هپتنگه‌ایتی نیز شواهد فعلی *aiwija* «خوشامدگفتن» را آشکار می‌کند که در آن پیشوند فعلی را به جای صورت کهن اوستایی *aibi* با صورت اوستایی جدید خود نمایش داده‌اند. این فعل در بندهایی که بخش‌های جدید را معرفی می‌کند آمده است. این شواهد فقط به یسن ۶۲ بند ۱۱ «خوشامد می‌گوییم» محدود نمی‌شود، بلکه دو مورد از سه مورد موجود دیگر را می‌بینیم. در دومین مورد حضور فعل *aiwija* آشکارا به هفت‌ها اشاره دارد:

ویسپرد ۱۷ بند ۱:

aiwi.gərədmahi

خوشامد می‌گوییم

humataca hūx taca huuarštaca

اندیشه‌های نیک، گفتارهای نیک، کردارهای نیک

yasnahe haptarjāhātōiš

یسنای هفت‌ها را

aiwi.gərədmahi ašəm vohū

خوشامد می‌گوییم راستی نیک را

این متن از یکی از کرده‌های ویسپرد است که بعد از هفت‌ها قرائت می‌شود و هفت‌ها را ستایش می‌کند. واژه‌های *humataca hūx taca huuarštaca* احتمالاً بیان کلمات آغازین هفت‌ها در یسن ۳۵ بند ۲ است که در آن *aibijar* نیز آمده است. سومین شاهد از این فصل در دو بند آغازین ویسپرد کرده ۲۱ آمده که پس از «یسنای هپتنگه‌ایتی دیگر» قرائت می‌شود و همان متن نیز ستایش می‌شود:

ویسپرد ۲۱ بند ۱:

uruuaraṇqma x'āθrīraṇqam

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

auui arqma vanjānqam

آب‌های نیک

ašaonqma frauuašinqam

گیاهان بارور

yasnəm gərədmahi vahməmca

گزینش‌های هدایتگر پاکان

auui āṇhəmcit yā vaṇhīš

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

yā āpō yāsca uruuarā

آنان که نیک هستند

yāsca ašaonəm frauuašaiiō yasnəm gərədmahi vahməmca

یعنی آب‌ها، گیاهان و گزینش‌های هدایتگر پاکان
ویسپرد ۲۱ بند ۲:

auui gəuš auui gaiiehe

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

گاو، *gaiia*

auui mąθrahe spəntahe

شکل فزونی‌بخش

ašaonō vərəzīiaṇhahe

اشو، آنکه نیروی زندگی‌اش پر قدرت است

yasnəm gərədmahi vahməmca

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

auui tauua ahura mazda

تو، ای سرور دانا

yasnəm gərədmahi vahməmca

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

auui tauua zaraθuštra

تو، ای زرثوشتره

yasnəm gərədmahi vahməmca

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

auui tauua ratuuō bərəza

تو، ای رد بلند

yasnəm gərədmahi vahməmca

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

auui aməšanəm spəntanəm

ای بی‌مرگان فزونی‌بخش

yasnəm gərədmahi vahməmca

همچنین، نشانه‌های دیگری از زبان هفت‌ها در کرده^{۲۱-۲۲} و یسپرد عبارت *yasnəm...vahməmca* است، این مجموعه نخستین بار در هفت‌ها (یسن ۳۵ بند ۷) آمده است. بنابراین، اگرچه فعل *auuijar* در شکل اوستای جدید ظاهر شده، اما همیشه در قالب متون متعلق به هفت‌ها است. در واقع، تمام شواهدی که از این نوع واژگان است، به هر صورتی یادآور هفت‌ها است.

ارتباط بین آیین آب‌ها و هفت‌ها از این جهت است که در هر دو متن ستایش آب‌ها بخش اصلی و مرکزی را تشکیل می‌دهد. در عبارت ابتدایی و پایانی آب زوهر، صورت اوستایی کهن *aibi.jarəti-* از اصطلاحات آیینی اوستایی کهن است. با نقل عبارتی از هفت‌ها *apōi yazamaide* «ستایش می‌کنیم آب‌ها را» (یسن ۳۸، بند ۳a) در یسن ۶۳ بند ۳ با صورت کهن اوستای *at* و با حالت *e* بدون کشیدگی پایانی و نیز با تکرار بخش‌های کامل یسنای هفت‌ها پیوند بین دو متن بیشتر می‌شود. ستایش آب‌ها که مفاهیم بندهای ۲-۵ یسن ۳۸ را تشکیل می‌دهد در آیین آب‌ها (یسن ۶۷ بند ۶-۸، و یسن ۶۸، بندهای ۲۰-۲۱) تکرار می‌شود.

واژه «یسنا» در اوستا

همان‌طوری که پیش‌تر در کرده ۲۱ بند ۴ و یسپرد دیدیم، یسنای هپتنگه‌ایتی می‌تواند فقط به صورت *yasna* و بدون صفت *haptanḥāiti-* به کار رود. اما پرسشی که مطرح است اینکه آیا شواهدی در اوستا است که *yasna-* به تنهایی به عنوان متن ۷۲ فصلی به کار رود. در ادامه بحث به کاربرد این واژه در اوستا می‌پردازیم. به همین دلیل متونی که در آنجا واژه «یسنا» به کار رفته برای تحقیق ما اهمیت خاصی دارد.

واژه اوستایی *yasna-* به معنای «ستایش» از لحاظ خویشاوندی دقیقاً معادل ودایی *yajna-* است که در معنای «قربانی» یا «ستایش» است. در بیشتر شواهد اوستایی، واژه یسنا به «ستایش» اهوره مزدا و آفریدگانش اشاره دارد، به ویژه با تکرار مجموعه واژگان *yasnāica vahmāica x šnaoθrāica frasastaiiaēca*

برای ستایش، نیایش، شادی و شکوه در بیشتر عبادت‌های مرسوم اوستایی جدید مفعول ستایش معمولاً یا خود اهوره مزدا یا یکی از آفریدگان مینوی یا مادی او است. اگرچه، گاهی نیز این عبارت را برای دیوان به کار می‌برند، مثلاً:
وندیداد ۱۶ بند ۱۱:

daēuuanaṃ yasnāica vahmāica

برای ستایش و نیایش دیوان یسنا به متن دیگری جز این نیز اطلاق می‌شود. در بسیاری موارد این متن به وضوح با صفت *haptaṅhāiti-* «ستایش هفت فصل» معرفی می‌شود مثلاً در عبارت یسن ۴۱ بند ۸ (یسن ۷۱ بند ۱۲، ویسپرد ۶ و ویسپرد ۲۱ بند ۷) آمده است:

yasnəm sūrəm haptaṅhāitīm

ستایش می‌کنیم یسنای قدرتمند هفت‌ها را

aṣṣauuanəm aṣahe ratūm yayamaide

پاک را، رد راستی را

اما به غیر از این یسنا در شش جا به تنهایی به کار رفته که به متن خاصی اشاره می‌کند. قبلاً بیان کردیم که در ویسپرد ۲۱ بند ۴ آنجا که *aparəm yasnəm* آمده به یسنای هپتنگهائی دیگر اشاره دارد که در آغاز ویسپرد ۲۱ و یسن ۷۱ بند ۶ به کار می‌رود و متن‌های قرائت‌شده گاهان، یسنا و احتمالاً آب زوهر را ستایش می‌کند. این نکته گفتنی است که *vīspəm yasnəm* «همه یسنا» در پایان بند قرائت‌شده مذکور اشاره به کل متن ۷۲ فصل دارد. اما درباره گاهان در عبارت *vīspaēca.....gāθā* «و تمام گاهان» با اطمینان می‌توان گفت که فقط بخشی از مراسم یسنا را به وضوح نشان می‌دهند، احتمالاً این برداشت بار تلمه درست باشد که *vīspəm yasnəm* اشاره به هفت‌ها است.

چهار متن باقی مانده دیگر، که یسنا را به تنهایی به مفهوم یک متن دارند، در نیرنگستان است (فصل‌های ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۴۰) (۲۶). در فصل ۲۲ قرائت گاهان را در کنار یسنا قرار داده‌اند.
نیرنگستان ۲۲:

sraoθra nā gāθanqm ratufriš

مرد، ردان را خشنود می‌سازد با قرائت گاهان

paiti.astica yasnahe

و با ایستادن برای ستایش

aθa fšūšō maθrahe

و به طور مساوی در مانسرپرور جانداران اصلی

ahe žī nā srauuajhō

زیرا مرد گناهی را انجام می‌دهد

āframəraiti āstriieiti

که این کلام را قرائت نمی‌کند

yaθa gāθanqmcit

چنین است (درباره) گاهان

gāθā srāuuaiiō

آن کسی که در حالی که گاهان را می‌خواند

yasnəm yazəntəm paitišīāiti

می‌ایستد در کنار کسی که یسنا را ستایش می‌کند

vīspanqm gāθanqm ratufriš

ردان همه گاهان را خشنود می‌کنند

yasnəm yazāiti

اگر یسنا را ستایش می‌کند

gāθanqm srāuuaiiamnanqm paitišti

و هنگام قرائت گاهان می‌ایستد

yasnahe aēuuahē ratufriš

آن کسی خشنود می‌سازد رد تنهایی یسنا را

aratufriš gāθanqmm

اما رد گاهان را خشنود نمی‌سازند
این متن درباره قرائت متونی از اوستای کهن، مخصوصاً هفت‌ها، است. دلیلی که
بیانگر این است که یسنا در این متن هفت‌ها است. نه تنها قرارگرفتن واژه «گاهان» در
کنار آنها، بلکه ذکر متنی دیگر از آیین یسنا به نام «مانسرپرور جانداران اهلی» *ḥšūšō*
در *maqθra* ۵۸ است.

kahiiācit nā dahmanq̄m zaθvrāda ratufriš

ردان را خشنود می‌سازد بازوتی هر کس (مرد) اجتماع
nāirikaiiāsciūt apərənāiūkaheciṭ

یا زنی یا فرزندی کوچک
yezi vaēθa hāθanq̄m θwarəšəsca frataurunāscā

اگر او بداند آغازها و پایان‌های هات‌ها را
aṅtarə hāitišu yasnəm frāiiazōit

(و) بخواند ستایش را بین هات‌ها
کوتوال و کرینبروک در آخرین ویرایش خود از نیرنگستان *yənhēhātq̄m* جایگزین
yasnəm کرده‌اند. حال آنکه نیازی به این جابه‌جایی نیست، اگر *yasnəm* را اشاره به یسنای
هپتنگهائی که در میان *hāiti* گاهان خوانده می‌شود، تفسیر کنیم.
آنچه از بررسی مشخص می‌شود این است که هر جا در متون اوستایی واژه *yasna*
اختصاص به یک متن داشته باشد به یسنای هپتنگهائی اشاره دارد. ممکن است شخص
با تعجب از خود بپرسد که: آیا عبارت *staota-yesniia* را، که در اوستای جدید به بخش
مرکزی یسنا تعلق دارد، می‌توان به «نیایش‌های از آن ستایش» در معنای «نیایش
ترتیب یافته اطراف یسنا»، و یسنا را اشاره به یسنای هپتنگهائی ترجمه کرد؟ شاید در
کهن‌ترین صورت از این آیین *staota* «ستایش‌ها» همان گاهان باشند.

نتیجه

اگرچه زبان هفت‌ها به گویش اوستای متقدم تعلق دارد، اما از جوانب مختلفی نیز با
گاهان متفاوت است. از این دیدگاه که یسنای هپتنگهائی، برخلاف گاهان، در وزن

کمی هجایی تألیف نشده، بلکه نثری موزون است. همچنین، نقش آیینی گاهان به وضوح مشخص نیست، اما یسنای هپتنگه‌ایتی آشکار است. استفاده غالب از اول شخص جمع «ما» در یسنای هپتنگه‌ایتی در مقابل اول شخص مفرد «من» گاهان نشان‌دهنده آن است که این متن را گروهی از مزدیسنان ستایشگر می‌خوانده‌اند، یا کسی به نمایندگی از آنها می‌خوانده است. همان‌گونه که دیدیم، اشارات آشکاری به مراسم آتش، که ستایشگران در برابر آن می‌ایستند، وجود دارد. همچنین، با آنکه گاهان سرشار از اشاراتی به دورکردن دیوان است، اما در هفت‌ها هیچ صحبتی از آن در میان نیست. پس، آشکار است که یسنای هفت‌ها نوعی متن صرفاً ستایشی است که تماماً به ستایش و پرستش *yasnamcā vahmāmca* به زبان هفت‌ها به اهوره‌مزدا و آفریده‌های مینوی و مادی او تعلق دارد. به‌علاوه، در این متن ستایشگران، تعهد خود را به اختصاص اندیشه‌ها و گفتارها و کردارهای خوب برای تقویت و حمایت آنچه خوب است بیان می‌کنند. از آنجایی که هفت‌ها نوعی متن ستایشی آیینی است بیشتر از گاهان در دوره‌های بعدی تقلید شده است، منبع الهام‌بخش هفت‌ها و وام‌گیری جملاتی از آن در هنگام تضعیف ستایش‌های اوستای جدید، و نیز موقعیت مرکزی و اصلی آن در ترتیب مراسم یسنا، ویسپرد و وندیداد نشان می‌دهد که روحانیان دوره اوستایی جدید، از اهمیت آیینی و نظری یسنای هپتنگه‌ایتی آگاه بودند.